



بین حق و تکلیف رابطه تلازمی برقرار است/ علمای ادیان می توانند مانع برخی اقدامات صاحبان قدرت شوند

یک عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه بر لزوم ورود علمای ادیان و متفکران در مناسبات سیاسی تأکید کرد و گفت: علمای ادیان و اندیشمندان برای جلوگیری از اینکه صاحبان قدرت بر اساس هر توجیهی دست به هر جنایتی بزنند، در مقالات و سخنرانی هایشان یک حضور جدی داشته باشند.

یک عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه بر لزوم ورود علمای ادیان و متفکران در مناسبات سیاسی تأکید کرد و گفت: علمای ادیان و اندیشمندان برای جلوگیری از اینکه صاحبان قدرت بر اساس هر توجیهی دست به هر جنایتی بزنند، در مقالات و سخنرانی هایشان یک حضور جدی داشته باشند.

حجت الاسلام والمسلمین محسن غرویانی در گفتگو با خبرنگار مهر، حق و تکلیف را یکی از مباحث جدید در فلسفه دین برشمرد و گفت: بحث حق و تکلیف مبتنی بر یکسری زیربنایهای فکری است و مبنای فلسفی و هستی شناختی دارد.

وی افزود: اگر ما انسان را مستقل و غیرمخلوق فرض کنیم و به یک معنا به اومانیزم و انسان محوری قائل باشیم، خب دیگر بحث تکلیف مطرح نمی شود چون انسان موجودی می شود تماماً محق و تکلیفی در برابر موجودی بالاتر از خود ندارد و تنها مطلبی که می توانیم در این باره به مانند کانت مطرح کنیم این است که انسان در برابر وجدان خود تکلیف دارد. این دیدگاهی است که اومانیهستها دارند اما دیدگاه دیگر این است که انسان یک موجود مخلوق است و بالاتر از او خالق است که انسان در برابر او تکلیف دارد و اینجاست که بحث تکلیف مداری مطرح می شود.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه در فلسفه اسلامی بین حق و تکلیف یک نوع رابطه برقرار است، افزود: خداوند حقی بر ما دارد و ما در برابر او تکلیفی داریم تا حق خدا را ادا کنیم. همینطور در رابطه بین انسانها با یکدیگر چنین هست، اگر کسی بر ما حقی داشته باشد ما نسبت به او تکلیفی داریم مثلاً پدر و مادر بر فرزند حق دارند و در مقابلش فرزند نسبت به والدین تکلیف دارد.

حجت الاسلام و المسلمین غرویانی تأکید کرد: اگر ما نگاه حق محور صرف به انسان داشته باشیم، خب انسان خود را محق صد در صد می بیند و نسبت به انواع دیگر موجودات خود را در جایگاه بالاتری می بیند و نسبت به آنها هرگونه رفتاری انجام می دهد چون خود را حق می داند و خود را پاسخگو به هیچ امر بالاتری نمی داند. اگر هر فرد انسانی خود را حق محور بداند آنگاه تا آنجا پیش می رود که دیکتاتوری می کند و خود را نسبت به انسانهای دیگر محق می داند و دیگر انسانها را نسبت به خود پایین تر می بیند همانطور که برخی اقوام و نژادها و گروه ها این مسئله را دارند مثل صهیونیستها و برخی از آمریکایی ها و اروپایی ها، که خود را افراد برتری از سایر افراد می بینند که بحث آپارتاید و تبعیض نژادی از همین جا نشأت می گیرد.

این مدرس جامعه المصطفی پیامدهای منفی تکلیف گرایی صرف در قرون وسطی را ناشی از افراط و تفریط خواند و گفت: در قرون وسطی نگاه کاتولیزم به انسان و تکلیف انسان در برابر خدا در حد افراط بود و در مقابلش نهضت پروتستانیزم، اومانیزم را مطرح کرد و بعد مارتین لوتر و آگوست کنت، آن انسان محوری را با دیدگاه های خود تقویت کردند که این یک عکس العملی بود در برابر آن نگاه بسیار ارتجاعی کاتولیک ها که همه چیز را نادیده گرفتند و برای تثبیت آن اندیشه های مسیحیت سنتی تفتیش عقاید تشکیل دادند که نتایج آن را همه می دانیم. اما بینش اسلامی حق مداری و تکلیف مداری را با هم جمع می کند.

وی با اشاره به اینکه وقایع ناگوار امروز جامعه جهانی به ویژه جنگهایی که به وقوع می پیوندد ناشی از نگاه حق محور انسان غربی است، به ارائه پیشنهادی در رفع این نگاه مخرب پرداخت و گفت: در نشستی که اخیراً با چند تن از اساتید الهیات و کلام مسیحی دانشگاه سن توماس آمریکا در قم داشتیم، برخی از آنها مخالف چنین استراتژیهای دولت آمریکا هستند و پیشنهاد من در آنجا این بود که ما یک مجمع جهانی از علمای همه ادیان داشته باشیم که هر 6 ماه یا یک سال دور یکدیگر جمع شوند و با یکدیگر برای رفع مسائل گفتگو کنند.

حجت الاسلام و المسلمین غرویانی تأکید کرد: معتقدم باید به دیدگاه های یکدیگر با گفتگو نزدیک کنیم. مثلاً در جریان حمله آمریکا به عراق سران دولت آمریکا گاهی ادعا می کنند که از جانب خدا به ما الهام می شود که به عراق حمله کنیم و آنجا را اشغال کنیم و

مردم عراق را نجات دهیم! یعنی دیدگاه آنها این است که دارند به تکلیف عمل می کنند و به صراحت نمی گویند که ما خود را ذی حق می دانیم که تجاوز کنیم بلکه آنها تحت عنوان آموزه نجات و نجات انسانها دست به این اقدامات نظامی می زنند اما ما باید در قالب گفتگو به آنها بفهمانیم که انسان فقط شما نیستید و همه آنهایی که در کره زمین زندگی می کنند انسان هستند و ذی حق هستند و باید حقوقشان استیفا شود و این مسئله در واقع محل نزاع هست والا آنها خودشان را به عنوان فرشته نجات تلقی می کنند. و علمای ادیان و اندیشمندان باید ورود پیدا کنند از اینکه صاحبان قدرت بر اساس هر توجیهی دست به هر جنایتی زنند و در مقالات و سخنرانی هایشان یک حضور جدی داشته باشند.